



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

تحلیل راهبردی

شماره ۱۶۰

دی ۱۳۹۵

حسن احمدیان
پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

حرکت بحران سوریه به سوی آستانه

مقدمه

نصره از یک سو و سایر جریان‌های مسلح از سوی دیگر در رویکرد نوین روسیه جنبه عملی و آشکاری پیدا کرده است؛

- روسیه به دلیل تحقق بخشیدن به اهداف اولیه خود در سوریه به ویژه پس از آزادی حلب، انتظار همراهی ایران و سوریه و متحدان آنها را در مرحله سیاسی با خود دارد؛

- حزب الله و ارتش سوریه همچنان بر آزادسازی نقاط محاصره شده در برخی مناطق سوریه تأکید دارند که تحت کنترل نیروهای اپوزیسیونی قرار دارد که روسیه باب تعامل با آنها را گشوده است و احتمالاً در آستانه حضور خواهند داشت؛

- ترکیه تمامی سنگینی سیاسی و استراتژیک خود را برای پیشبرد توافقش با روسیه در مورد آتش بس و نیز مشارکت فعالانه در آستانه گذاشته است و از این مجرا نه ایران و متحدان آن بلکه روسیه را طرف حساب خود در سوریه می‌داند و امیدوار است از این مجرا اهداف خود در شمال سوریه را محقق سازد. با توجه به روندهای یادشده، بازیگران داخلی و منطقه‌ای بحران سوریه هم اکنون به دو دسته کلان

در نتیجه آزادی حلب و تحرکات پس از آن به ویژه گفتگوهای مسکو میان ایران، روسیه و ترکیه و آتش بس بعد از آن که در قالب قطعنامه ۲۳۳۶ شورای امنیت سازمان ملل مورد تأیید جامعه جهانی قرار گرفت، روندها و پویای جدیدی پیرامون سوریه شکل گرفته است که نشست آستانه را می‌توان از جمله نقاط مورد توجه آن در نظر گرفت. در این فضای نوین به نظر می‌رسد روندهای زیر در بحران سوریه شکل گرفته و یا در حال شکل‌گیری است:

- اکثر بازیگران اصلی بحران سوریه که از راه‌حل نظامی ناامید شده‌اند، امیدوار هستند در آستانه و روند سیاسی در حال شکل‌گیری، اهداف خود در این بحران را محقق کنند؛

- روسیه که نقشی محوری (به عنوان پوشش بین‌المللی و نیز عملیاتی) در آزادی حلب ایفا کرد، به تدریج در حال گذار از رویارویی نظامی با اپوزیسیون سوریه و کشاندن آن به راه‌حل سیاسی تحت مدیریت خود است. در این معنا، تفاوت دو جریان داعش و



که ایران و متحدان آن بر مرتبط کردن آن با دو شهرک فوعه و کفریا اصرار کردند. این تناقضات البته در آینده بیشتر خواهد شد. گزینه دوم عدم پذیرش این تمایز و در نتیجه، عدم التزام عملی به تقسیم‌بندی‌های مخالفان و تداوم عملیات نظامی علیه آنها در برخی مناطق است. این گزینه، ریسک تنش با روسیه در سوریه را بالا می‌برد.

مسئله دوم شیوه تعامل با روسیه است. آشکار است که اوج حمایت بین‌المللی روسیه از ارتش سوریه و متحدان آن (ایران و حزب الله) در عملیات حلب نمودار شد. پس از آن، عدم همراهی این بازیگران با گزینه‌های روسیه سبب تنزل و یا حتی قطع شدن حمایت بین‌المللی و نظامی روسیه از این بازیگران خواهد شد. در این معنا، گزینه‌های ایران و متحدان آن در برابر روسیه محدود است. مناسب‌ترین کار تلاش برای تداوم بخشیدن پیروزی‌های میدانی در اتحاد با روسیه در چارچوب‌های سیاسی است. به عبارتی، خلع سلاح و تخلیه مناطق محاصره شده اپوزیسیون در اطراف شهرهای اصلی سوریه باید از درون توافق سیاسی خارج شود. در چنین فضایی می‌توان همچنان با روسیه همراهی کرد. در پیش گرفتن گزینه نظامی صرف، احتمالاً به توقف حمایت‌های روسیه در سطوح عملیاتی و به ویژه بین‌المللی خواهد شد و فشارهای بین‌المللی بر حکومت سوریه، ایران و متحدان آنها را تشدید خواهد کرد.

نکته سوم شیوه تعامل با ترکیه است. ترکیه به وضوح با روسیه به مثابه قیم سوریه و متحدان آن از جمله ایران تعامل می‌کند. در عین حال، ترکیه درک می‌کند که نزدیک‌ترین کشور به حساسیت‌های کردی آنکارا ایران است. در این میان، ترکیه تعامل با روسیه

تقسیم می‌شوند؛ نخست دسته‌ای که قائل به تمایز النصره و داعش از سایر اپوزیسیون بوده و راه حل سیاسی را مبنایی برای تعامل اپوزیسیون یادشده با نظام برای رسیدن به توافقی سیاسی با ضمانت بین‌المللی می‌داند. از نظر ترکیه بسیاری از نیروهای اپوزیسیون سوریه در این مقوله جای دارند. دسته دوم نیروهایی هستند که قائل به مرتبط کردن خروج و یا خلع سلاح اپوزیسیون از مناطقی محاصره شده در اطراف حلب، دمشق، حمص و حما به توافق آتش بس حلب هستند و آن را جزء اساسی راه حل پیش رو می‌دانند. حکومت سوریه و متحدان داخلی و منطقه‌ای آن در این چارچوب قرار می‌گیرند. در این میان چالش عمده دسته دوم آن است که روسیه در حال گذار از دسته دوم به دسته نخست است و آستانه می‌تواند نقطه التقای دو مجموعه باشد که در نهایت روسیه را به اتخاذ مواضعی کاملاً متفاوت با مرحله آزادسازی حلب بکند.

در نتیجه سه مسئله اساسی در آستانه پیش روی ج.ا. ایران خواهد بود:

مسئله نخست، انتخاب میان گزینه‌های پیش رو است. اینکه آیا باید در عمل میدانی و رفتار سیاسی، تمایز میان داعش و نصره از یک سو و سایر اپوزیسیون سوریه را پذیرفت؟ در صورت پذیرش چارچوب سیاسی پیش رو، باید این تمایز را مورد توجه قرار داد. این گزینه البته محدودیت‌های عملیاتی ایجاد می‌کند. به عبارتی نمی‌توان هم چارچوب سیاسی را پذیرفت و هم بر مبارزه با مخالفانی که بنابر این چارچوب سیاسی یادشده، اطراف گفتگو در نظر گرفته می‌شوند، اصرار کرد. این تناقض در آتش بس حلب میان روسیه و ترکیه در مورد خارج کردن اپوزیسیون از این شهر آشکار شد

۳ حرکت بحران سوریه به سوی آستانه

را راهکار بهینه‌ای برای تقابل با خطر یادشده می‌داند. دو راهکار پیش روی ایران است. نخست آنکه از ارتباطات کردی خود برای نشان دادن این واقعیت به ترکیه استفاده کند که موسکو نمی‌تواند ضامن امنیت و ثبات ترکیه در برابر خطر کردی باشد. این گزینه البته خطرهای جدی نیز در بر دارد. گزینه دوم آن است که شورای راهبردی ایران - ترکیه را به مثابه چارچوبی برای فعال کردن تعامل با ترکیه در روزهای باقیمانده تا کنفرانس آستانه و پس از آن فعال کند. در چنین فضایی ایران می‌تواند با ترکیه به تفاهماتی بی‌پرده در مورد آستانه و آینده تعاملات دو کشور در ارتباط با سوریه برسد. به ویژه آنکه ایران ابزار و یا گزینه نخست را نیز روی میز خود به ترکیه نشان دهد.

